

انقلاب اسلامی ایران و ارائه مدل مفهومی قدرت نرم اسلامی- ایرانی

مجید عباسی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

چکیده:

انقلاب اسلامی ایران دگرگونی عظیمی در زمینه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران و تأثیرات شگرفی در سطح بین‌المللی و بویژه جهان اسلام داشته است و باعث تجدید حیات اسلام یا به عبارت بهتر احیای فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی شده است. انقلاب اسلامی انقلابی ارزشی با هدف بازگشت، احیا و بازسازی سنت‌های بنیادی دین اسلام می‌باشد. این انقلاب در عین داشتن اهداف سیاسی و اجتماعی، نگاه خاصی به تمدن و جهان بینی اسلامی دارد. بیداری اسلامی زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل و تجدید حیات اسلام است که در پناه آن استقلال، عدالت و آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی، بار دیگر زنده می‌شوند و یا حیات می‌یابند. احیای هویت دینی و طرح اندیشه حکومت اسلامی، حمایت از محرومان جامعه، ظلم ستیزی و مقابله با مستکبرین، استقلال‌خواهی، ترویج فرهنگ مردم سالاری دینی، ورود از حوزه‌های نظری به حیطه‌های سیاسی و حکومتی، بیداری اسلامی در عرصه‌های حیات اجتماعی و سیاسی، گفت‌وگوهای سیاسی و فرهنگی و طرح این ایده که اسلام تنها راه حل است و مطالعه تحولات سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ در کشورهایی مانند تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین و تطبیق خواسته‌های مردمی آنها با آموزه‌های انقلاب اسلامی حاکی از احیای مجدد هویت اسلامی در جهان اسلام متأثر از قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است. وقوع این تحولات و نفوذ اندیشه های انقلاب اسلامی در ملل مسلمان نه از طریق قدرت سخت افزاری بلکه از طریق قدرت نرم انقلاب اسلامی در الگو شدن برای کشورهای اسلامی امکانپذیر شده است.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی، قدرت نرم، ارزش‌های دینی، هویت اسلامی، جهان اسلام، احیای اسلامی.

مقدمه

سرزمین‌های بسیاری از کشورهای اسلامی در قرون گذشته تحت استعمار یا قیمومیت غربی‌ها قرار داشت و آنها این تفکر را که اسلام عامل عقب ماندگی است در این جوامع تزریق کردند. همچنین تلاش کردند تا از طریق ایجاد افتراق در جهان اسلام، سیاست‌های خود را به پیش ببرند. با همین هدف، آنها پس از جنگ جهانی دوم بدر اختلاف و بحران در جهان اسلام را با تأسیس رژیم صهیونیستی کاشتند. در این زمان افرادی مانند آرنولد توین‌بی - مورخ معروف انگلیسی معتقد بودند که اسلام به خواب فرافته است اما اگر مستضعفین جهان بر ضد سلطه غرب شورش کنند و تحت یک رهبری قرار گیرند، این خفته بیدار خواهد شد و بانگ این شورش ممکن است در برانگیختن روح نظام اسلامی مؤثر افتد و اسلام بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود قیام کند. پیش‌بینی توین‌بی در سال ۱۹۷۹ با انقلاب اسلامی ایران محقق شد. انقلابی که با دست خالی و با تکیه بر اسلام و بازگشت به ارزش‌های اسلامی و به رهبری مرجعی دینی در مقابل همه قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها ایستاد و نقطه عطفی در جهان اسلام شد. با این حرکت، جهان خفته اسلام بیدار شد. اصول و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران نه از طریق زور بلکه از طریق فرهنگی و گفتمانی به سایر کشورها نفوذ کرد و قلب، تفکر و روح مسلمانان را تسخیر نمود و آنها را آماده بیداری و مبارزه با عقب ماندگی کرد. با ارائه گفتمان انقلاب اسلامی، پارادایم‌های غالب کمونیسم و لیبرالیسم با چالش مواجه شدند. پیام انقلاب اسلامی که احیاء اسلام بود چنان گسترده، سریع و وسیع بود که موجب ظهور و بروز جنبش‌های سیاسی اسلامی به تبعیت از گفتمان انقلاب اسلامی ایران شد.

در حقیقت انقلاب اسلامی ایران به مثابه یک گفتمان نه تنها شرایط محیطی را تغییر داد و به چالش کشید. بلکه افزون بر آن، مفاهیم و نظریه‌های جدیدی را تولید نمود که از آن جمله می‌توان به قدرت نرم اشاره کرد. مسلمانان تحت تأثیر قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بیدار شدند و بر پایه سه اصل مهم که برگرفته از آموزه‌های اساسی انقلاب اسلامی است یعنی «بازگشت به اسلام ناب»، «وحدت جهان اسلام» و «استکبار ستیزی» حرکت خود را آغاز کردند. این بیداری بتدریج در سراسر جهان اسلام و با تأسی از الگوی قدرت نرم و گفتمان انقلاب اسلامی ایران گسترش پیدا کرد و اوج این بیداری در هزاره جدید و در تحولات سیاسی-اجتماعی سال ۲۰۱۱ در کشورهای تونس، مصر، یمن، لیبی و بحرین خود را نشان داد.

در این پژوهش تلاش شده است تا الگوی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای آن بر توسعه اصول، مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی بر فرایند موسوم به بیداری اسلامی جدید در جهان اسلام مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

۱- برداشت از مفهوم قدرت نرم و جایگاه آن در روابط بین‌الملل

تلقی از قدرت نرم تا حد زیادی یادآور توانمندی فرهنگ در عرصه رفتار بازیگران اجتماعی است، و زمانی می‌تواند در ارتباط با مفهوم قدرت، قرار گیرد که محل تأثیر گذاری از سوی، صاحب قدرت باشد و بتواند به طور غیر مستقیم رفتار بازیگر یا بازیگران دیگر را تغییر دهد. در این بستر، نظریه "قدرت فرهنگی شده" آلن تورن قابل تأمل است. او معتقد است، اگر قدرت برآمده از ارکان هویتی جامعه باشد در تحقق اهداف و حصول منافع، کارآمدتر خواهد بود. به زعم وی، توانمندی واقعی فقط از ابتناء عمل بر شاخصه های درونی - فرهنگی، سنت و هنجارهای بومی، حاصل می‌آید و سایر منابع قدرت تا زمانی که بومی نشوند از اعتبار و استمرار لازم برخوردار نیستند. به همین خاطر است که به منظور «تورن» از قدرت، قدرت فرهنگی شده، اطلاق می‌شود. لذا از این دیدگاه می‌توان آن گروه از منابع قدرت را که از ماهیت و هویت جامعه تولید می‌شوند را، قدرت نرم دانست. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۰) در اینجا قدرت در ارتباط با فرهنگ بازنمایی شده است و اگر بازیگری توانایی ایجاد فرهنگ متناسب با منافع خود را در میان بازیگران داشته باشد، و یا متناسب با فرهنگ موجود، منافع و اهدافش را تنظیم کند، می‌تواند واجد قدرت باشد.

این همان راه غیر مستقیم دستیابی به خواسته‌ها از نظر نای خواهد بود. که "وجه دوم قدرت" را تشکیل می‌دهد و قدرت نرم نام دارد و بر این اساس استوار است که "ممکن است یک کشور به نتایج مورد نظرش در امورسیاسی جهان دست پیدا کند فقط به این دلیل که کشورهای دیگر ارزش هایش را تحسین می‌کنند. آن کشور را الگوی خود قرار می‌دهند و یا آرزوی رسیدن به آن سطح از رفاه و آزاد اندیشی را دارند؛ و به این دلیل خواهان پیروی از آن کشور هستند... در قدرت نرم اینکه دیگران را ترغیب کنیم که همان چیزهایی را بخواهند که ما می‌خواهیم، مردم بیش از آنکه مجبور به انجام کاری شوند به همکاری گرفته می‌شوند." در اینجا نیز مسئله وادار کردن دیگران به پیروی از منافع یک بازیگر وجود دارد و آنچه رخ می‌دهد از حیث نتایج حاصله با قدرت سخت تفاوتی ندارد، اما اینجا به جای اجبار و تهدید و یا اعمال تحریم و اعطای مشوق‌های اقتصادی، از جاذبه و منبع مهم آن، فرهنگ استفاده می‌شود. (نای، ۱۳۸۷: ۴۳) جذابیتی که در نظریه جوزف نای مراد است، به هیچ وجه تنها جذابیت خشی نخواهد بود. به این معنا که جذابیت فرهنگ ملت (الف) برای ملت (ب) می‌تواند به خودی خود وجود داشته باشد. یعنی مؤلفه‌هایی در فرهنگ ملت (الف) باشد که بدون هیچ اراده هوشمندی، آن ملت را برای مردم کشور (ب) جذاب کند و از این محل پذیرش

منافع و اهداف ملت (الف) توسط ملت (ب) تسهیل شود و یا حتی در اثر جذب شدن به فرهنگ دیگر، خواست ها و اولویت ها و متعاقب آن رفتار ملت (ب) متناسب با اهداف ملت (الف) دستخوش تغییر شود. این یک وجه قضیه است و یک دولت می تواند برای افزایش قدرت نرم خود تلاش کند. اعمالی از قبیل تلاش برای ارتقای جذابیت فرهنگی، تبلیغات فرهنگی هدفمند و ایجاد تغییر در فرهنگ دیگران یا فرهنگ بین المللی میان کشورها، که لزوماً تنها با ابزارهای فرهنگی، رخ نمی دهند، در زمره این اقدامات خواهند بود. ضمن اینکه منظور ما از فرهنگ، معنای بسیط آن است که کلیه نهادها و قواعد و انگاره ها را شامل می شود.

به همین خاطر است که نای اعتقاد دارد که "اگر یک کشور بتواند قواعد بین المللی را به گونه ای که متناسب با منافعش باشد، شکل دهد؛ به صورت طبیعی سیاست های اجرائی اش، به دلیل انطباق با قواعد بین المللی مذکور، از مشروعیت بیشتری نزد دیگران برخوردار خواهد بود. بر همین سیاق اگر چنین کشوری از این سازمان ها و قواعد برای ترغیب دیگر بازیگران جهت تحدید رفتارها و یا اصلاح سیاست هایشان در راستای اهداف مورد نظرش بهره بگیرد، به طور طبیعی به میزان بیشتری از اهدافش با صرف هزینه های کمتر نائل خواهد آمد. (نای، ۱۳۸۷: ۵۱) بر همین اساس است که مفهوم "اقتناع" همواره در کنار جذابیت به عنوان روش اصلی دستیابی به اهداف در قدرت نرم مطرح می شود. اگر چه اقتناع بدون جذابیت فاقد معنا خواهد بود، و ویژگی هایی مانند "قابل اعتماد بودن" به عنوان پارامترهای جذابیت همواره باید حضور داشته باشند (Nye, 2003: 15) اما اقتناع بهتر می تواند بیانگر فرایند اعمال قدرت در قدرت نرم باشد.

لذا می توان گفت، قدرت نرم به عنوان وجهی از قدرت که مفهوم همکاری را در خود دارد و نتیجه اعمال آن همراهی دیگران با صاحب قدرت خواهد بود، می تواند، حامل مناقشه ای پنهان در درون خود باشد. مناقشه ای که به واسطه اقتناع طرف مقابل دیده نمی شود، اما حداقل در سطح منافع وجود خواهد داشت. تشخیص این وضعیت نقد های مختلفی را نسبت به برداشتی که از توضیحات نای درباره این مفهوم به دست می آید، باعث شده است. به طوری که «فرگوسن» در این رابطه می نویسد: "قدرت نرم خیلی هم نرم نیست، چراکه قدرت های بزرگ همواره سیاست های زور خودشان را با تمسک به ارزشهای نوع دوستانه مطرح می کنند. اما بر استفاده از قدرت سخت برای رسیدن به اهداف خود تردید ندارند. بنابر این قدرت نرم در حقیقت دستکش مخملی است که زیر آن مشت آهنی پوشانده شده است." (کلاهیجان، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۵۱)

این قبیل برداشت‌ها که نمایانگر تلقی مناقشه و تعارض در مفهوم قدرت نرم است باعث می‌شود تا در یک برداشت کلان از این مفهوم، ضمن آنکه "قدرت رضایتی" را می‌توان در چارچوب قدرت نرم قرار داد، شق سوم از آنچه "لاکس" در قدرت مناقشه‌ای، تقسیم بندی کرده است نیز در زمره مصادیق مفهومی از قدرت نرم قابل دسته بندی باشد. "برین" یک تقسیم بندی دوگانه از ماهیت قدرت ارائه داده است که در برگیرنده دو نوع قدرت مناقشه‌ای و رضایتی است. قدرت رضایتی، از آن حیث که بر اجماع و پیش از آن، دانایی مشترک استوار است، فاقد مناقشه و تعارض میان صاحب قدرت و محل اعمال قدرت است. اما قدرت مناقشه‌ای، یا به طور مستقیم و یا به طور غیر مستقیم، در عین آنکه با مقاومت مواجه است، دیگران را وادار به تغییر رفتار می‌کند. حتی اگر این مناقشه قابل مشاهده نباشد و یا در یک سطح بالاتر به صورت نهفته وجود داشته باشد. لذا در اینجا نوعی مناقشه وجود دارد که به صورت نهفته درآمده و اساساً احساس نمی‌شود. این نوع سوم از قدرت مناقشه‌ایست که از طریق شکل بخشی و تغییر خواست‌ها و اولویت‌ها، اعمال می‌شود. بنابراین می‌توان این نوع از قدرت را نیز در زمره قدرت نرم به حساب آورد. و ویژگی مناقشه برای آن را حتی در مواقعی که مقاومتی احساس نمی‌شود، ممکن فرض کرد. به این ترتیب این احتمال وجود دارد، که بازیگری در ساختار بین الملل، به همکاری با مرجع قدرت نرم پردازد و یا به عبارتی، به همکاری گرفته شود و هیچ تعارض محسوسی در این بین وجود نداشته باشد، اما در حقیقت و در بطن این همکاری، مناقشه نهفته باشد.

قدرت نرم فارغ از شرایط و تحولات بین المللی که طی نیمه دوم قرن بیستم در نظام بین الملل رخ داده است، از حیث هزینه‌ها و انرژی کمی که برای حصول نتیجه از طریق آن صرف می‌شود بسیار حائز اهمیت است. "وقتی فرهنگ یک کشور ارزشهای جهانی را شامل شود و بنیاد سیاست‌های آن را علائق و ارزش‌های مشترک جهانی شکل دهد، احتمال اینکه نتایج مطلوب با هزینه کم تحصیل شود افزایش می‌یابد." در واقع قدرت نرم از محل رابطه‌ای که در فرایند اعمال خود، میان "جاذبه‌ها و وظایف" ایجاد می‌کند، انجام خواسته‌ها را ساده‌تر می‌گرداند. (نای، ۱۳۸۷: ۵۲) لذا بسیاری تبدیل شدن یک کشور به یک قدرت جهانی که توانایی تأثیرگذاری وسیع بین المللی داشته باشد را مترصد داشتن قابلیت‌های نرم وسیع و گسترده می‌دانند که بتواند در فضای جهانی مطرح شود و حتی برخی این وجه از قدرت را مهمتر از وجوه دیگر آن برای دستیابی به چنین جایگاهی ارزیابی می‌کنند.

2- Attractions and Duties

"جافی" اهمیت و ارزش قدرت نرم آمریکا را بیشتر از دارایی های نظامی و اقتصادی این کشور در دستیابی به جایگاه بین المللی آن می داند و معتقد است فراگیری قدرت نرم به مراتب بیشتر از توانمندی های دیگر این کشور است. او فرهنگ آمریکا را با امپراتوری روم مقایسه کرده و بیان داشته است که پس از فروپاشی امپراتوری روم، هیچ کشوری نتوانسته به اندازه ایالات متحده در فرهنگ جهانی تأثیرگذار باشد و این شدت گسترش فرهنگی تنها درباره امپراتوری روم می تواند مصداق داشته باشد. این در حالی است که رقیب اصلی آمریکا در دوران جنگ سرد، تنها موفق شد تا سلطه فرهنگی خود را تا مرزهای رسمی این کشور گسترش دهد. لذا شوروی در جذب دیگران به فرهنگ خود نسبت به آمریکا بسیار عقب بود به طوری که می توان شکست این کشور را در برابر آمریکا، پیش از فروپاشی نظام دو قطبی، مشاهده کرد. (Joffe, 2001: 43)

به بیانی دیگر چنانچه سیاست خارجی یک کشور بتواند باعث ترویج ارزش های مطلوب و بهره گیری از عنصر فرهنگ شود، قدرت نرم قابل توجهی را در سطح بین المللی ایجاد نموده است که می تواند از حیث تسهیل شرایط برای دستیابی آن کشور به خواسته های خود بسیار مهم و قابل توجه باشد. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۳) علاوه بر این قدرت سخت و بویژه به کارگیری قدرت نظامی می تواند هزینه های بسیار سنگین و جبران ناپذیری را به کشورها تحمیل کند که قدرت نرم رسیدن به هدف مورد نظر را به خاطر ماهیت فرهنگی خود با هزینه های کمتری مقدر می سازد. اساساً کنترل هزینه های نظامی در بسیاری از رویارویی هایی که از این حیث رخ می دهد، کار بسیار مشکلی است و تاریخ روابط بین الملل شاهد سقوط برخی قدرت های بزرگ به درجه قدرت ضعیف متأثر از هزینه های بالای نظامی وارده به آن کشورها در یک جنگ بوده است. (نقیب زاده، ۱۳۸۳: ۹۰-۱۱۶) این موضوع به خودی خود اهمیت قدرت کم هزینه را نشان می دهد. قدرتی که قرار است به جای تنفر، جذابیت و دوستی ایجاد کند و اهداف مورد نظر را نیز محقق گرداند. در این زمینه نای معتقد است اساساً استفاده از زور، اهداف اقتصادی را به شدت تهدید می کند و کشورها هنگام تصمیم گیری برای انتخاب راه های دستیابی به هدف باید آینده اهداف اقتصادی خود را نیز مد نظر داشته باشند. این موضوع زمانی بهتر درک خواهد شد که حساسیت فضای اقتصادی در برابر توسل کشورها به زور تشریح شود. "آمریکا پس از پیروزی اش در جنگ جهانی دوم به بازسازی اقتصاد ژاپن کمک کرد، اما تصور اینکه امروزه بتواند به طور مؤثر از زور برای باز کردن بازارهای ژاپن و یا تغییر دادن ارزش ین استفاده کند، بسیار سخت است. به همین صورت به سادگی نمی توان

تصور کرد که آمریکا برای حل مناقشات خود با کانادا، یا اروپا از زور استفاده کند". (نای، ۱۳۸۷: ۶۴)

گسترش دموکراسی در جهان و آنچه انقلاب اطلاعات خوانده می شود نیز بر اهمیت قدرت نرم افزوده است. به این خاطر است که امروزه بسیاری از دولت ها مجبورند درباره رفتاری که از خود بروز می دهند به مردم توضیح دهند، داشتن یا نداشتن مشروعیت بسیار مهمتر از گذشته تلقی می شود. این شرایطی است که باعث می شود. توانایی سهیم بودن در اطلاعات، و مورد باور قرار گرفتن، تبدیل به منبع مهمی از جذابیت شود. نای در سخنرانی خود در مراسم معرفی کتاب "قدرت نرم: ابزارهایی برای موفقیت در سیاست جهانی" از دو تغییر مهم در جهان سخن می گوید که باعث تغییر در آن نسبت به گذشته شده است. او جهانی شدن و انقلاب تکنولوژیک را به عنوان این تغییرات بدیع نام می برد و معتقد است، تنفر از آمریکا در میان مسلمانان نتیجه بی توجهی دولتمردان به قدرت نرم است. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۹-۳۰)

از این نگاه، وضعیت فعلی جهان و گسترش روزافزون وسایل ارتباط جمعی و قدرت گرفتن شرکت های چند ملیتی و سازمان های غیر دولتی، افق روشنی را در برابر افزایش اهمیت قدرت نرم قرار داده است. به طوری که در عصر اطلاعات، کشورهایی احتمال دارد که جذابتر باشند و قدرت نرم بیشتری بدست بیاورند که با استفاده از کانال های متعدد ارتباطی به چارچوب بندی موضوعات پردازند، نظرات و فرهنگ غالب آنها به هنجارهای رایج جهانی، نزدیکتر باشد، و همچنین اعتبارشان به واسطه سیاست ها و ارزش های داخلی و بین المللی شان تقویت شده باشد و این شرایط برای همه بازیگران بین المللی امکانپذیر است. (نای، ۱۳۸۷: ۸۰)

تاریخ روابط بین الملل مبین آن است که این وجه از قدرت از دوران باستان تاکنون همواره در مقام تأثیرگذاری قرار داشته است و بازیگران بین المللی از آن در راستای افزایش نفوذ خود استفاده کرده اند. (امامزاده فرد، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۴۶) اما ورود به دنیای جدید بر اهمیت و ارزش قدرت نرم افزوده است، تا جایی که لزوم پرداختن به آن به عنوان وجه دوم قدرت در روابط بین الملل مورد اثبات قرار گرفته است. در واقع می توان گفت، امکان استفاده ارزان از رسانه ها، وسایل ارتباطی، دیپلماسی عمومی و گفتگوی مستقیم با ملت ها و کاهش محدودیت ها در انتقال مفاهیم به واسطه پیشرفت و توسعه فناوری در کنار افزایش تأثیرگذاری افکار عمومی به عنوان یک بازیگر بین المللی و گسترش سازمان های غیر دولتی در فضای بین الملل با کار ویژه های تخصصی، در عین حال که بر محدودیت ها در به کارگیری قدرت سخت افزوده، فرصت های فراوانی را برای افزایش

تأثیرگذاری قدرت نرم فراهم کرده است. آنچه که با عنوان انقلاب اطلاعات در جهان از آن یاد می شود، مجموعه امکانات بی شماری است که فضای ارتقاء قدرت یک بازیگر را با پارامترهای نرم، فراهم کرده است.

انواع قدرت نرم از نظر منبع تولید، روش، ابزار و نوع اثرگذاری

نوع قدرت	منبع تولید	تولید و هدایت کننده	روش	ابزار	اثر
قدرت سخت	توان نظامی، اقتصادی و سیاسی	دولت ها	تحصیل از طریق تطمیع، تهدید، تشویق و مجازات	حمله نظامی، تحریم، انزوای سیاسی، دیپلماسی رسمی	کوتاه مدت و نسبی
قدرت نرم	فرهنگ و نظام ارزشی	مردم، سمن ها، نهادهای بین الدولی، دولت ها	اقتناع و جلب رضایت از هر طریق ممکن	رسانه ها، نهادهای مدنی، سازمانهای حقوق بشری، دیپلماسی عمومی	بلند مدت و بنیادین

(صادقی، ۱۴۰۱: ۲۱۵)

مفهوم رایج از قدرت نرم به سبک جوزف نای یا دیگر نظریه پردازان غربی نمی تواند دلایل موفقیت جمهوری اسلامی ایران در برقراری روابط بهینه با ملت های منطقه و بسط قدرت و نفوذ آن را تبیین کند. تأکید عمده این نظریه ها بر ارزش ها و مولفه های سکولار و مادی است. این در حالیست که بخش مهمی از قدرت نرم ایران مبتنی بر عوامل غیرمادی و آموزه های معنوی و فرهنگی است. (شکوهی، ۱۴۰۰: ۷۲)

انقلاب اسلامی ایران ماهیتی ایدئولوژیک و فرهنگی داشته و بر مبانی و عناصر فرهنگی استوار است. این ویژگی منحصر به فرد در اصول، بنیادها و مفاهیم اساسی سیاست خارجی نمود یافته است. آنچه جمهوری اسلامی ایران بعنوان کرامت انسانی، عدالت خواهی، نفی نظام سلطه، گفتگوی تمدن ها، جهان عاری از خشونت و تعامل و همکاری موثر با جهان خارج مطرح می کند، در واقع گفتمانی سیاسی است که بر مبانی قدرت نرم فرهنگی سیاست خارجی استوار است. (ذوالفقاری و دشتی، ۱۳۹۷: ۱۳۶) جمهوری اسلامی ایران با محوریت دین شکل گرفته است. پس مبانی قدرت آن نیز بر مولفه های دینی و نرم استوار است. (حیدری، نصر الله و دیگران، ۱۴۰۱: ۷)

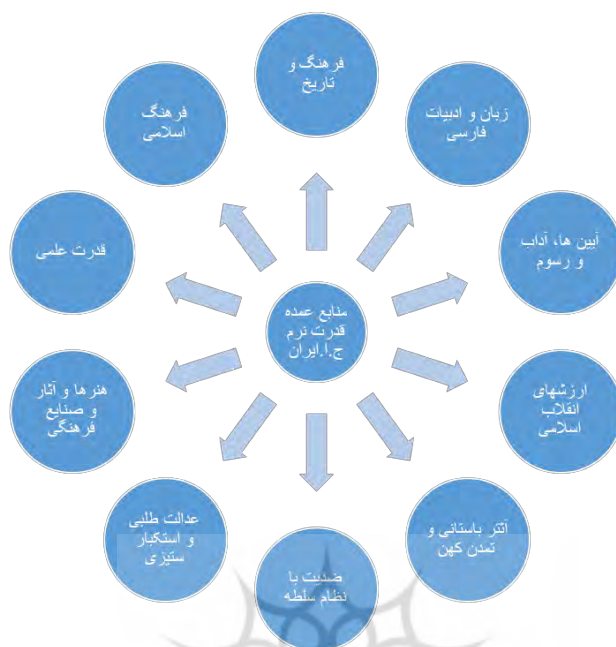
۲- مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی قدرت نرم در گفتمان انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی

در گفتمان انقلاب اسلامی، این انقلاب، ملی و محدود نیست بلکه انقلاب اسلامی ایران ماهیت و هویت فراملی و فرامرزی دارد. انقلاب فراملی برخلاف انقلاب ملی دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که فراتر از مرزهای جغرافیایی می‌رود و به یک ملت و محدوده سرزمینی تعلق ندارد. اینگونه انقلاب‌ها مانند انقلاب فرانسه و روسیه، علاوه بر اهداف ملی از آماج فراملی نیز برخوردارند؛ به گونه‌ای که به موازات تلاش برای تحقق خواست‌ها و مطالبات جامعه داخلی درصدد دست‌یابی به آمال و آرزوهایی در ورای مرزهای ملی می‌باشند. تغییر و تحولات ساختاری و هنجاری در درون کشور، تنها یک دسته از اهداف انقلاب است. دسته دیگری از اهداف انقلاب ناظر بر تغییر و تحول شگرف و بنیادی در جوامع دیگر و بویژه نظم و نظام بین‌المللی و شیوه تعامل کشورهاست. لذا رسالت و مسئولیت انقلاب فراملی، مرزهای جغرافیایی ملی را در می‌نوردد و کلیه جوامع متجانس و غیرمتجانس در سطوح منطقه‌ای و جهانی را در بر می‌گیرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۸۱)

استلزام منطقی این روایت و قرائت این است که هدف و غایت اولیه انقلاب در داخل ایران تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی در چارچوب یک نظام و دولت اسلامی است و در عرصه بین‌المللی نیز انگیزه و هدف نخستین انقلاب اسلامی ایران، گسترش این ارزش‌ها در جوامع و کشورهای دیگر برای ایجاد جامعه جهانی اسلامی از طریق انقلاب اسلامی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با توجه به اهداف و آموزه‌های انقلاب اسلامی چنین می‌فرماید: «انقلاب اسلامی برای تحقق برنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اسلام در ایران بر پا شده و در عرصه روابط جهانی نیز با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، نظام ظالمانه سلطه را رد، و صلح، امنیت و سعادت را برای همه ملت‌ها پی‌گیری می‌کند.» (سخنرانی در جمع مسئولان وزارت خارجه، ۱۳۸۶/۵/۳۰) به همین خاطر است که جان اسپوزیتو می‌گوید: «حکام کشورهای خلیج فارس از جداییت زبان و الگوی انقلابی ایران بیمناک هستند.» (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۵۰)

عمده منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در سه سطح فرهنگ، ارزش‌های

سیاسی و سیاست خارجی به شرح زیر مشاهده نمود:



(رجبی، ۱۴۰۱: ۱۴۱)

در بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید به این نکته مهم توجه کرد که هر نشانه‌ای از قدرت نرم باید دارای بازتاب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باشد. به عبارت بهتر باید مؤلفه‌هایی را مورد توجه قرار داد که بر اساس قالب‌های گفتمانی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و بر محیط منطقه ای و بین المللی اثرگذار بوده است. اصلی ترین شاخص های مربوط به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران که از قابلیت لازم برای تأثیرگذاری در انقلاب‌های سیاسی- اجتماعی سال ۲۰۱۱ تحت عنوان بیداری اسلامی در منطقه آسیای غربی و شمال آفریقا برخوردار بوده‌اند را می‌توان به این صورت برشمرد:

۱-۲- باز تولید اندیشه مقاومت در جهان اسلام

اندیشه مقاومت بازتاب انقلاب اسلامی ایران محسوب شده که توانست در مقابله با نقش مداخله‌گر قدرت‌های بزرگ، نیروهای سیاسی و اجتماعی منطقه را با یکدیگر منسجم و هماهنگ سازد. (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۱۱) بر اساس شاخص‌های فرهنگ سیاسی و ایدئولوژیک ایران، هویت مقاومت بوجود آمد. این امر دارای برخی از نمادهای فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک بوده است. هویت مقاومت در شرایط حمله نظامی عراق به جمهوری اسلامی ایران و ظهور تهدیدهای ترکیبی

علیه امنیت ملی ایران گسترش بیشتری یافت. بسیاری از تحلیل گران بر این اعتقادند که هویت مقاومت در ایران همواره بر اساس آموزه‌های دینی و اسطوره‌های ناشی از نهضت عاشورا شکل گرفته است. (فولر، ۱۳۸۴: ۲۹۱)

بازتاب این امر را در مقاومت حزب الله لبنان و گروه‌های فلسطینی مانند حماس می توان مشاهده کرد. زیرا انقلاب اسلامی در عمل نشان داد که می توان با صبر و استواری در هدف، بر دشمنان هر چقدر هم بزرگ و قدرتمند باشند پیروز شد. پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه و گروه‌های فلسطینی در جنگ های ۲۲ روزه و ۸ روزه غزه بر رژیم صهیونیستی از پیامدهای مهم بازتولید اندیشه مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی می باشد.

۲-۲- واکنش نسبت به توطئه و تهدیدهای قدرت‌های بزرگ

وقایع تاریخی و مداخله مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ «ادراک معطوف به تهدید» را در ذهن ملت ایران ایجاد کرده است. دخالت‌های روسیه و انگلیس در امور ایران، اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دخالت‌های فراوان آمریکایی‌ها در امور حکومت پهلوی و بسیاری موارد دیگر که در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داده است؛ از جمله نمونه‌هایی هستند که موجب شده‌اند، احساس درونی جامعه ایران نسبت به قدرت‌های بزرگ همواره با شک و تردید همراه باشد.

به عبارت بهتر می توان گفت که احساس تهدید بخشی از واقعیت ذهنی- ادراکی جامعه ایران در طول تاریخ بوده است. این احساس در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی از عینیت بیشتری برخوردار شد. (والتون و ویجایتیدرا، ۱۳۸۷: ۲۷۰) واژه‌هایی که حضرت امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران علیه کشورهایمانند آمریکا و انگلیس به کار گرفتند، بیانگر آن است که می توان ذهنیت و ادراک جامعه ایران نسبت به تهدیدهای قدرتهای بزرگ را حتی در قالب اندیشه‌های دینی و انقلابی، مورد تحلیل قرار داد.

یکی از شاخص‌های اصلی هویت ایرانی که با نشانه‌های هویت انقلاب اسلامی پیوند خورده را می توان در ارتباط با مقابله‌گرایی در برابر مداخله پایان ناپذیر قدرتهای بزرگ دانست. این شاخص اصلی هویتی در رفتار سیاسی جامعه ایران در برابر مداخله‌گرایی آمریکا در ایران به صورت شفاف قابل مشاهده است. در این شرایط دشمنی و خصومت زمینه باز تولید تضادهای سیاسی- ایدئولوژیک ایران و جهان غرب را در قالب گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی نشان می دهد. در این گفتمان مقاومت

در برابر مداخله و کارشکنی های قدرتهای بزرگ بوضوح قابل مشاهده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی شان در جمع مسئولان وزارت امور خارجه به صراحت بیان می دارند: «شاخص سیاست خارجی ایران نفی رابطه سلطه گر و سلطه پذیر و مقابله عاقلانه و هوشمندانه با نظام سلطه جهانی است.» (روزنامه ایران، ۱۳۸۶/۵/۳۱: ۱۰)

شیخ عبدالعزیز عوده، رهبر معنوی جهاد اسلامی فلسطین نیز بر این باور است که مهمترین اثر فرهنگی انقلاب اسلامی، بیداری مسلمانان و احیاء و بازسازی اسلام در بسیاری از کشورهای جهان است. ایشان در این رابطه می گوید: «انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل (ره) و حضرت آیت-الله خامنه‌ای، امید از بین رفته را در دل مسلمانان احیاء کرد. انقلاب اسلامی این امید را در دل‌ها زنده کرد که مسلمین می توانند بار دیگر پیروز شوند و عظمت دیرینه خود را بازیابند و دشمنان‌شان را شکست دهند.» (سالار، ۱۳۸۱: ۹۶)

۳-۲- انسجام و احیای هویت دینی مسلمانان

هر ایدئولوژی باید از قابلیت لازم برای تعمیم قالب‌های گفتمانی و هنجاری برخوردار باشد. بنابراین نخستین نشانه ایدئولوژیک و گفتمانی انقلاب اسلامی ایران را می توان در ارتباط با رویکرد اتحادگرای آن مورد توجه قرار داد. زمانی که قالب‌های ایدئولوژیک از انسجام و وحدت برخوردار باشند، در آن شرایط زمینه برای گسترش همبستگی مفهومی در گروه‌های اجتماعی همسایه بوجود می آید. بنابراین می توان اتحاد و انسجام هویتی را نخستین نشانه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه دانست. (Aghaie, 2001: 25) علاوه بر اتحاد و انسجام هویتی، یکی از مهمترین آثار قدرت نرم انقلاب اسلامی، احیای اندیشه و هویت دینی در جهان است. در آن شرایط و موقعیت دشوار و در زمانی که ایدئولوژی‌های کمونیسم و لیبرالیسم درصدد کنار گذاشتن دین از زندگی مردم بودند و هر روز هویت دینی و دین‌مداری کمرنگ‌تر می شد و در برخی جوامع کمونیستی تعهد و التزام به مبانی و آموزه‌های دینی جرم بود. وقوع انقلاب اسلامی ایران تحول عظیمی در سطح جهانی ایجاد کرد و با تکیه بر قدرت الهی، ایمان به خدا و ایدئولوژی اسلامی به تمامی ملل دنیا نشان داد که دین هم برای دنیا و هم برای آخرت انسان‌ها برنامه دارد.

مقام معظم رهبری در این رابطه می فرماید: «یکی از هدفهای مهمی که در این انقلاب‌ها (بیداری اسلامی) باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که اسلام از محوریت خارج نشود. اسلام باید محور باشد. فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد. سعی کردند وانمود کنند که شریعت

اسلامی با پیشرفت و تحول و تمدن و اینها سازگار نیست. این، حرف دشمن است؛ نخیر، کاملاً سازگار است. اسلام مال همیشگی دنیاست، اسلام مال همه‌ی قرن‌هاست، اسلام مال همه‌ی دورانهای پیشرفت بشری است.» (www.Farsi.khamenei.ir/1391/9/21)

در حقیقت پس از انقلاب اسلامی ایران، ملت‌های مسلمان جهان دریافتند که راه حل مشکلات مسلمین در سایه بازگشت به اصول و آموزه‌های اسلامی است. انقلاب اسلامی با آسیب رساندن به بنیادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی غرب توانست سلطه جهانی فرهنگ غرب را کم‌رنگ کند و به مردم آزاده جهان ثابت کند که با تمسک به اصول و آموزه‌های اسلامی می‌توانند از سلطه قدرتهای بزرگ رهایی پیدا کنند و مستقل و آزاد زندگی کنند.

۴-۲- طرح اندیشه حکومت اسلامی

تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، عده زیادی از اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان، تشکیل حکومت اسلامی را امری ناممکن و به تعبیری محال می‌دانستند. اما انقلاب اسلامی ایران نشان داد که می‌توان با تکیه بر اصول و مبانی برگرفته از قرآن و با اتکاء به ارزش‌های اسلامی به تأسیس یک حکومت مستقل و مردمی بر مبنای اسلام مبادرت کرد. الگوی حکومتی انقلاب اسلامی به سایر مسلمانان شجاعت و جسارت استکبار ستیزی و رویارویی با مستبدان را آموخت. در نتیجه، جنبشهای اسلامی و مردمی، الگوهای مبارزاتی خود را به صورت‌های مختلف از راهپیمایی تا مقاومت علیه اشغالگری و نیز ایجاد وحدت اسلامی و قیام در برابر رژیم‌های وابسته برای اجرای قوانین اسلام را به اشکال مختلف از انقلاب اسلامی ایران تأثیر گرفتند.

احمدورسی^۱ سردبیر مجله مسلم نیوز لندن با تأکید بر جهانشمول بودن اهداف انقلاب اسلامی ایران و تشکیل حکومت اسلامی می‌گوید: «موفقیت انقلاب اسلامی با یک انقلاب بدون خونریزی افکار مسلمانان را تغییر داد و مشخص ساخت که چنین عملی در جهان اسلام امکانپذیر است و امت اسلام قادر است حکومت را اداره کند. زمان نشستن عالم در مسجد و تنها به جنبه روحانی اسلام اندیشیدن به سرآمده و رهبر امت اسلامی هم به دنیا و هم به آخرت توجه می‌کند... امام خمینی (ره) ثابت نمود که اسلام همچنان نیرویی پویاست که قادر به راهبری امت در اجتماع به اصطلاح مدرن و پست مدرن کنونی است.» (سروش، ۱۳۷۱)

در انقلاب اسلامی، بازگشت معنویت به عرصه سیاست توسط دین صورت گرفت و نشان داد

1. Ahmad Versi

که این دین اسلام ویژگی‌های مترقیانه خاص خود را دارد و ارتجاعی و واپس‌گرا نیست. بلکه اسلام در انقلاب اسلامی دقیقاً روح یک جهان بی‌روح بوده است و نشان داد مذهب و معنویت‌ی که ایرانیان خواهان آن هستند بیش از آنکه از عالم بالا سخن بگوید به دگرگونی این دنیا می‌اندیشد. (فوکو، ۲۰۱۳: ۶۵)

جمهوری اسلامی ایران در ابتدای پیروزی انقلاب به خوبی توانست از قدرت نرم خود در منطقه و جهان بهره ببرد. بویژه که رسالت انقلاب اسلامی فرهنگی بود و با شعارها و ویژگی‌های مشخص اسلامی - مردمی در منطقه و جهان معرفی شد و توانست در میان بسیاری از مردم کشورهای مختلف از جمله کشورهای اسلامی طرفدارانی داشته باشد. از جمله مهمترین این شعارها تشکیل حکومت بر مبنای باورهای دینی و مردم‌سالاری در چارچوب فکری اسلام و رهبری انقلاب امام خمینی(ره) است. گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و جهان مورد توجه قرار گرفت و از نظر فکری و مبانی ایدئولوژیک، بسیاری از مردم و جنبش‌های آزادی طلبانه را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اخلاق تأکید دارد، در این حالت از توان جذب کننده بالایی برخوردار است و می‌تواند از طریق دیپلماسی عمومی^۱ قدرت نرم ایران را تقویت کند. (Sharp, 2005:115)

۵-۲- دفاع از آرمان فلسطین و جنبش‌های آزادیبخش

آموزه‌ها و ارزش‌های دینی که هسته اصلی فرهنگ و هنجارهای فردی و اجتماعی ملت ایران را شکل می‌دهد، مبتنی بر فطرت بوده و پایداری در خور توجهی در مقایسه با دیگر منابع قدرت نرم دارد. از سوی دیگر، فرهنگ اسلامی، گزاره‌های ارزشی و هنجاری مشترکی میان ایران و بسیاری از جوامع و مردم در کشورهای دیگر - بویژه کشورهای مسلمان - پیش رو می‌نهد که زمینه مناسبی برای درک متقابل و همبستگی و همراهی با اهداف جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند. در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، پی‌گیری آرمان‌های اسلامی در سیاست خارجی، بویژه در حوزه جهان اسلام و در مسائلی مانند مخالفت با اسرائیل، باعث شده تا بسیاری از مردم و نخبگان کشورهای اسلامی با جمهوری اسلامی و آرمان‌های آن همراهی کنند. از این رو، می‌توان گفت ایران به واسطه رسمیت یافتن اهداف و احکام در آن، تا حد زیادی توانایی الهام بخشی و جذب دیگر کشورهای اسلامی را یافته است. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۸)

^۱.Public Dipomacy

انقلاب اسلامی ایران زمانی پیروز شد که با حمایت آمریکایی‌ها پیمان کمپ‌دیوید میان رژیم صهیونیستی و مصر در سال ۱۹۷۷ منعقد گردیده و آمریکایی‌ها تصور می‌کردند که به زودی سایر کشورهای اسلامی نیز همین راه را خواهند پیمود و روابط خود با رژیم صهیونیستی را برقرار و از آرمان‌های فلسطینیان دست خواهند کشید ولی وقوع انقلاب اسلامی در ایران همه معادلات آنان را به هم زد و با هدایت، روشنگری و موضع‌گیری قاطع امام (ره) شیوه مبارزه با اسرائیل شکل دیگری به خود گرفت. سفارتخانه اسرائیل در تهران تعطیل و به فلسطینیان واگذار شد و بیت‌المقدس به عنوان مکان مقدس مسلمانان و همه ادیان آسمانی مورد توجه جهان اسلام قرار گرفت. به فرمان امام خمینی (ره) آخرین جمعه ماه مبارک رمضان «روز جهانی قدس» اعلام شد و جنگ نرم ایران با استفاده از قدرت نرم مسلمانان به اوج خود رسید.

شهید دکتر فتحی شقاقی رهبر سابق سازمان جهاد اسلامی فلسطین در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر مبارزات مردم فلسطین می‌گوید: «این انقلاب به ما فهماند که پیروزی ما در گرو پیروی از امام خمینی (ره) است. از همین رو ناگهان در و دیوار مساجد سرزمین‌های اشغالی بویژه مسجدالاقصی با تصاویر حضرت امام (ره) تزئین شد. امروز نیز شاهد آن هستیم که آیت‌الله خامنه‌ای همان مشیء امام (ره) را ادامه می‌دهند و مسأله فلسطین را در شمار مسائل اصلی مسلمانان قرار داده‌اند. (مرتضایی، ۱۳۷۸: ۲۳) مقام معظم رهبری نیز در مورد شیوه حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌های آزادیبخش در قالب قدرت نرم می‌فرمایند: «... درصدد نیستیم ... این‌ها (نهبست‌ها) را با سلاح یا با مال تجهیز کنیم و در امور داخلی کشورها دخالت کنیم ... حمایت از جنبش‌ها به معنی حمایت معنوی است.» (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۶: ۱۱۳) این نمونه از سخنان رهبران انقلاب اسلامی ایران حاکی از توجه عمیق جمهوری اسلامی ایران به نفوذ و اثرگذاری قدرت نرم بر ذهن و روح ملت‌های آزاده است.

۶-۲- ایجاد وحدت و همبستگی اسلامی

وجود تفرقه و چند دستگی در امت اسلامی یکی از مشکلات همیشگی جهان اسلام بوده است. سیاست تفرقه اندازی و نفاق افکنی در جهان اسلام، سیاست تاریخی قدرت‌های بزرگ برای جلوگیری از وحدت مسلمانان بوده است. یکی از نخستین و مهمترین آثار انقلاب تلاش برای وحدت امت اسلامی در اقصی نقاط جهان و علی‌رغم اختلافات جزئی فرقه‌ای برای مبارزه با عوامل تفرقه و استعمارگران تحت پرچم (لا اله الا الله) بوده است. از جمله اقداماتی که برای تفرقه زدایی از

جامعه اسلامی پس از وقوع انقلاب اسلامی انجام گرفت، برگزاری هفته وحدت اسلامی هم‌زمان با ولادت پیامبر گرامی اسلام (ص) هر سال از ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول می‌باشد. در این هفته همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی با الهام از فرمان وحدت بخش خداوند متعال «واعتصمو بحبل الله جمیعا» گرد یکدیگر می‌آیند و این حرکت سازنده به توسعه اتحاد میان آنان می‌انجامد.

یکی از اقدامات مهمی که جمهوری اسلامی ایران انجام داده است، تأسیس «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» به فرمان مقام معظم رهبری است. این سازمان نقش مهمی در جهت تقریب مذاهب اسلامی و حفظ وحدت جهان اسلام دارد. (سالار، ۱۳۸۱: ۱۰۰)

در این راستا، حضرت امام خمینی (ره) وحدت را «عامل قدرت» و تفرقه را موجب «سستی پایه دیانت»، تلقی کرده و می‌فرماید: «تفرقه موجود در بین کشورهای مسلمان یا از خیانت سران ممالک اسلامی و یا از جهل و بی‌اطلاعی آنان است... سنی و شیعه مطرح نیست، در اسلام کرد و فارس مطرح نیست، در اسلام همه برادر و با هم هستیم. یک دسته از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند... در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید مطرح شود. ما همه برادر و با هم هستیم... اینها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آنها می‌خواهند نه این باشد و نه آن، راه را این‌طور می‌دانند که بین این دو اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنی بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت کنیم. (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۵۹)

در این رابطه مقام معظم رهبری نیز در سخنرانی‌های مختلف و از جمله در دیدار با جمعی از مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت میلاد پیامبر اکرم (ص) یکی از الزامات بسیار مهم را برای ادامه حرکت عمیق امت اسلامی به سمت پیروزی، اتحاد و انسجام اسلامی برشمردند و بیان فرمودند: «سیاست جبهه استکبار ایجاد اختلاف و نزاع قومی و مذهبی میان مسلمانان است که برای مقابله با آن باید وحدت و انسجام میان امت اسلامی تقویت شود... کج فهمی، توهمات غلط، سوء تفاهم و بی‌اطلاعی از مبانی صحیح تفکرات یکدیگر از موانع اصلی اتحاد است و در این رابطه نقش دولتهای اسلامی و علمای اسلام در زمینه سازی برای وحدت و انسجام اسلامی بسیار مهم

است. تدوین منشور وحدت اسلامی به همت علمای اسلام ضروری و مطالبه ای تاریخی است که اگر امروز به این وظیفه عمل نشود نسلهای بعدی ما را مؤاخذه خواهند کرد... جبهه استکبار در برخورد با جبهه اسلامی هیچ تفاوتی میان مسلمانان اعم از شیعه و سنی قائل نیست ... در شرایطی که دنیای استکبار سعی در تخریب چهره مسلمانان دارد و بیداری اسلامی در میان شیعه و سنی را برای خود خطر می داند و آن را چه با نام حماس و چه با نام حزب الله لبنان آماج حمله قرار می دهد آیا عاقلانه است که مسلمانان درگیر نزاع قومی و مذهبی شوند و دشمن مشترک خود را فراموش کنند.» (www.leader.ir/1386/01/17)

۷-۲- نظریه مردم سالاری دینی

یک از مهمترین دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی که استکبار جهانی را نگران نموده است، تجربه مردم سالاری دینی است که دارای مؤلفه‌هایی است که نه تنها در داخل، بسیاری از مشکلات کشور را حل کرده است، بلکه در خارج از کشور نیز بر ذهن و افکار دیگران تأثیر گذاشته و به عنوان مدلی برای حل مشکلات دیگر کشورها، بویژه در خاورمیانه، مورد نظر نخبگان و عموم مردم قرار گرفته است. به عبارت بهتر، از مهمترین دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران ارائه الگویی برای حل مشکلات عدیده‌ای مانند استبداد داخلی، وابستگی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، و توسعه نیافتگی است که با تجویز آن توانست تجربه‌ای از سیاست و حکومت را ارائه کند و به عنوان بدیلی برای نظام‌های موجود در منطقه مورد توجه قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران با الگوی مردم سالاری دینی، ضمن حفظ شکل مردم سالاری و جمهوریت، از لحاظ محتوا هویت اسلامی خود را حفظ نموده است. این تجربه به سایر ملت‌ها نشان داده است که لازم نیست فقط به الگوهای غربی دموکراسی بسنده کرد بلکه می‌توان با الگو قراردادن آموزه‌های اسلامی از مدل مردم سالاری دینی بهره گرفت.

نظریه مردم سالاری دینی پس از رحلت حضرت امام(ره)، از سوی مقام معظم رهبری به عنوان مدل بازسازی شده از نظریه ولایت فقیه حضرت امام(ره) برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است. از نگاه ایشان در مردم سالاری دینی به عنوان یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی ضمن آنکه مردم در حکومت و تعیین شخص حاکم دارای نقش هستند، احکام و مقررات اسلامی بر زندگی مردم حکومت می‌کنند. (هرسیچ، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

مردم سالاری دینی بر اساس شاخص و معیارهای دینی و عقلانیت سیاسی، تبلور قدرت نرم

انقلاب اسلامی ایران است. نظامی که در آن از بالاترین مقام یعنی رهبری تا پایین‌ترین سطوح اجرایی یعنی شوراهای اسلامی شهر و روستا و محلات با انتخاب مردم به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برگزیده می‌شوند. این امور توجه جهان را به اعتبار و مشروعیت سیاسی و دینی انقلاب اسلامی جلب نموده و جایگاه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ساختار مردم سالاری دینی را به خوبی آشکار می‌سازد.

هر حکومتی برای مقابله با معضلات بزرگ و حل مشکلات اساسی خود نیازمند تکیه‌گاهی محکم است؛ حکومت‌های بزرگ جهان به توان سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی و نیروهای نظامی و به امکانات اقتصادی خود متوسل می‌شوند. دولت‌های وابسته در حل مشکلات خود دست به دامان دولت‌های حامی خود می‌شوند و این در حالی است که انقلاب اسلامی ایران با توجه به رویکرد مردم سالاری دینی در رویارویی با معضلات سیاسی با صداقت مشکل خود را با توده‌های مردم مطرح و از طریق آنها حل می‌کند. (متقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۸)

در این الگوی جدید از حاکمیت سیاسی، دین جایگاهی محوری در سیاست نظری و عملی دارد و حتی نظریه دولت و پراکندگی قدرت در جامعه را نیز سامان می‌دهد. در نظریه دولت برآمده از ایده مردم سالاری دینی، دین مانع از دست اندازی دولت به منافع ملت می‌شود و دولت و ملت را در زمینه ارزش‌های مشترکی به هم پیوند می‌دهد که هر دو باید به آن متعهد و پایبند باشند. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۱)

می‌توان گفت مردم سالاری دینی از جمله ارزش‌های دینی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران است که اید‌های جدید در جهان اسلام و سیاست به شمار می‌آید و در رویارویی با ارزش‌های لیبرال دموکراسی از توانمندی بالایی برای ارائه الگوی مناسب حکومتی در جهان برخوردار است. در این رابطه برخی از نویسندگان و پژوهشگران معتقدند که: «از ارزش‌های اساسی ایران که می‌تواند در سطح جهانی مطرح شود، مردم سالاری موجود در ایران و انتخابات متعدد آن است.» (واعظی، ۱۳۸۹: ۹۵)

۸-۲- ارزش‌های عدالت و شهادت

انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فراملی است؛ زیرا این انقلاب بر مبنای ایدئولوژی اسلام استوار است که دینی جهانشمول است. بنابراین، انقلاب اسلامی ایران از یکسو دارای اهدافی است که از نیازها و خواسته‌های جامعه و ملت ایران نشأت گرفته است و از سوی دیگر هدف‌های فراملی دارد که از ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و انسانی ناشی می‌شود. اهداف فراملی یا اسلامی، آرمان‌هایی

چون استکبارستیزی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، وحدت جهان اسلام، حکومت جهان اسلام، صدور انقلاب اسلامی، دفاع از مسلمانان و مستضعفان، صلح و عدالت جهانی را در بر می‌گیرد، اما در صدر همه این اهداف عدالت طلبی و عدالت گستری است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۸۲)

نظام سیاسی برآمده از نظریه مردم سالاری دینی، علاوه بر تأمین امنیت به عنوان وظیفه حکومت، و ضمن به رسمیت شناختن نابرابری‌های ناشی از شایستگی‌ها، استعداد و توانمندی‌ها با سازوکارهایی از جمله اخذ ذکات، خمس و مالیات اسلامی بر اجرای عدالت به عنوان یکی از مهمترین وظایف دولت اسلامی تأکید نموده و با استفاده از سازوکارهای داوطلبانه و گاهی اوقات الزامی تلاش دارد تا ضمن پذیرش اختلاف درآمد میان اقشار مختلف بر کاهش فاصله طبقاتی تأکید کند. علاوه بر تأمین و اجرای عدالت، نظام اسلامی وظیفه مقابله با فقر، فساد و تبعیض را نیز به عهده دارد.

مقام معظم رهبری، عدالت را گمشده انسان‌ها در عصرها و دوران‌های گوناگون می‌دانند و ضمن اشاره به مطلوبیت ذاتی عدالت برای آحاد بشر از هر دین و مذهب و قوم و نژادی، می‌فرمایند: «امروز بشر همان نیازهایی را دارد که پنج هزار سال پیش آن نیازها را داشت. نیازهای اصولی بشر هیچ تفاوتی نکرده است. آن روز هم بشر از نفوذ قدرت‌های ستمگر رنج می‌برد. آن روز هم نیاز بزرگ بشر عدالت بود و بدترین رنج او بی‌عدالتی. امروز در دنیا بزرگترین مشکل بشر بی‌عدالتی است.» (دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیام اصلی انقلاب اسلامی برای مردم آزادیخواه جهان را عدالت می‌دانند. چرا که در سایه عدالت، تمام حقوق، مطالبات و تکالیف و وظایف تحقق عینی می‌یابند. ایشان معتقدند هر جا ندای عدالتخواهی بلند شده است، این انقلاب آنجا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته و با حق جویان و عدالتخواهان عالم همراهی کرده است. (سیدیان، ۱۳۸۷: ۵۰) ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «بسیاری از عدالت‌خواهان، آزادیخواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض، در شرق و غرب و قاره‌های پنج‌گانه عالم می‌گویند؛ ما از انقلاب شما این درس (عدالتخواهی) را آموختیم و راست می‌گویند.» (سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، ۱۳۷۴/۳/۱۴)

علاوه بر ایجاد عدالت، یکی از مؤلفه‌های دیگر قدرت نرم انقلاب اسلامی، شهادت طلبی به عنوان یک ارزش در برابر ظلم مستبدین و متجاوزان خارجی است. قرآن کریم شهادت طلبی و جهاد در راه خدا را هنر کسانی می‌داند که زندگی آخرت و خشنودی خداوند را بر زندگی ناپایدار دنیا برگزیدند. در آیه ۷۴ سوره نساء آمده است که: «پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌-

کنند در راه خدا بجنگند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود پاداشی بزرگ به او خواهیم داد.» نقش فرهنگ شهادت و ایثار و پیروزی خون بر شمشیر در جریان انقلاب اسلامی ایران غیر قابل انکار است. در جریان انقلاب اسلامی، مردم با دست خالی به مقابله با توپ و تانک‌های رژیم رفتند. اوج فرهنگ ایثار و شهادت طلبی نیز در هشت سال دفاع مقدس نمایان شد. این فرهنگ به هیچ وجه قابل قیاس با فرهنگ خودخواهی و مادی‌گرایی لیبرالسم غربی یا سوسیالیسم شرقی نیست. فرهنگ ایثار و شهادت نماد قدرت نرم ایران در مبارزات گروه‌های مقاومت لبنان و فلسطین و بیداری اسلامی در آسیای غربی و شمال آفریقا در قرن بیست و یکم است.

۹-۲- اصول استقلال و آزادی

دو مشکل اساسی جامعه ایران و بسیاری از کشورهای منطقه در قرون گذشته، وجود استبداد و وابستگی حکومت‌ها بوده است. این دو عامل به شدت با یکدیگر پیوند دارند و در فرآیند وقوع انقلاب اسلامی ایران نیز همواره در کنار یکدیگر قرار داشتند. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که: «نهال انقلاب با مبارزه مستمر و پی‌گیر و با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صد هزار زخمی و معلول و با برجای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست... قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند بویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار به مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری، اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از نظام استبدادی و سپردن سرنوشت مردم بدست خودشان تلاش می‌کند.» (تهرانی، ۱۳۷۵: ۲۳-۲۱)

در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که: «دولت موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: «تردد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛ محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی؛ تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛ مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛ تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال، تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور و...»

در اصل نهم قانون اساسی نیز آمده است که: « در جمهوری اسلامی ایران، آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا قومی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع راه، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.» این اشاره کوتاه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از قرآن، اصول و مبانی اسلامی، دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، خبرگان ملت و انعکاس ایدئولوژی و خواست‌های انقلاب اسلامی است به خوبی تفکیک ناپذیری استقلال و آزادی را از یکدیگر نشان می‌دهد. یکی از علل اصلی جاذبه انقلاب اسلامی ایران در میان مردم مستضعف جهان و بویژه در میان مسلمانان همین مؤلفه استقلال طلبی است. عاملی که در خیزش‌های مردمی جهان اسلام از سال ۲۰۱۱ و در خواسته‌های انقلابیون به وضوح قابل مشاهده است.

۱۰-۲- ویژگیهای علمی، تاریخی و تمدنی ایران اسلامی

نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت بالقوه بسیاری از ابزارهای قدرت نرم یک تمدن عظیم ایرانی-اسلامی را داراست و در دهه‌های گذشته برخی از آنها را مورد بهره برداری قرار داده است. یکی از این مؤلفه‌های مهم فرهنگ و تمدن ایرانی است.

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای دارای تمدن چند هزار ساله است و از پشتوانه مناسب هویتی نیز برخوردار می‌باشد. ایرانیان به خاطر پیشینه تاریخی دارای موفقیت‌های مهمی در عرصه تأثیرگذاری فرهنگی و بدنبال آن سیاسی بوده‌اند. ایرانیان به جای واگرایی و دفع عناصر فرهنگی کارآمد و کارساز اقوام دیگر، همواره درصدد جذب آنها در فرهنگ خود بوده‌اند. برای نمونه می‌توان به تأثیرپذیری اقوام مغول در دوران حمله به ایران اشاره نمود. نگاهی به تمدن و فرهنگ ایرانی نشان می‌دهد که ایرانیان همواره رویکردی جهانگرایانه داشته‌اند. (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴)

ایران دارای قدمت تمدنی بسیار عظیمی است و از میراث فرهنگی و تاریخی بزرگی برخوردار است. در معرض قرار دادن این میراث تاریخی و فرهنگی که بیانگر نمادهای ایرانیان است، نقش به‌سزایی در افزایش تصویری عزتمند از جمهوری اسلامی ایران دارد. بر عکس قضیه نیز می‌تواند صادق باشد، یعنی با ارائه تصویری خشن و غیر متمدنانه از تاریخ ایران می‌توان افکار عمومی را نسبت به ایران منفی نمود. پیامد امنیتی تحقق چنین امری، مزوی شدن ایران در افکار عمومی جامعه

بین‌المللی و غیر نافذ شدن ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران است. بخش عمده‌ای از عوامل تولید یا تقویت‌کننده قدرت نرم در واحد سیاسی، معطوف به حوزه فرهنگ و نظام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است مانند موقعیت ایدئولوژیکی و مذهبی کهن و با شکوه که جملگی در ذیل مقوله فرهنگ و قدرت نرم یک کشور جای می‌گیرند. (خسروی و جباری، ۱۳۹۰: ۱۰۷)

نحوه نگرش مردم ایران به آرمان‌ها و آرزوها به شدت انسانی است. شعر ایرانی که بیشترین منعکس‌کننده بینش و نگرش جامعه ایرانی می‌باشد، مشحون آرزوها و آمالی است که همگی در پی جهانی ایده‌ال و آرمانی هستند؛ جهانی که در آن انصاف، عدل، تساوی، برادری و برابری و معنویت شاخصه‌های اصلی آن هستند. (سجادپور، ۱۳۸۶: ۷) از این رو می‌توان فرهنگ و تمدن ایران را منبعی برای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار آورد.

افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران در دوران پس از انقلاب از شتاب علمی و فناوری بالایی برخوردار بوده است که نمونه‌های آن را می‌توان در پیشرفت‌های هسته‌ای و پزشکی توسط دانشمندان جوان ایرانی مشاهده کرد. این دستاوردها الگوی مناسبی برای جوانان کشورهای اسلامی برای پیشرفت است. ارائه الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت که نشان‌دهنده توسعه یک کشور اسلامی مبتنی بر ظرفیت‌های دینی و بومی و فارغ از وابستگی به قدرت‌های بزرگ است از ابزارهای مهم و تأثیرگذار قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که می‌تواند الگویی برای ملت‌ها و جوانان در کشورهای اسلامی باشد.

نتیجه‌گیری

علاوه بر اهمیتی که می‌توان برای قدرت نرم از حیث قابلیت‌های ذاتی آن برشمرد، تحولات نظام بین‌الملل و پیشرفت‌های بشر در حوزه‌های مختلف فناوری نیز در دهه‌های گذشته اسباب افزایش اهمیت این نوع از قدرت را فراهم کرده است. در این میان انقلاب اسلامی ایران که انقلابی مبتنی بر آموزه‌های دینی و فرهنگی است، تلاش داشته است تا الگوی جدیدی را به ملت‌ها و دولت‌های اسلامی عرضه کند، از آنجا که ارائه این مدل مفهومی جدید با استفاده از قدرت سخت امکان‌پذیر نیست بنا براین تلاش شده است تا این اقدام بر اساس آموزه‌های نرم محقق شود.

در این رابطه انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و استفاده از زور یا تطمیع به شمار آورد. انقلاب اسلامی ایران از طریق

تبیین اندیشه‌ها و آرمان‌هایی نظیر فرهنگ شهادت طلبی و عدالت جویی، نظریه مردم سالاری دینی و اصول استقلال و آزادی توانست به نتیجه مطلوب خود یعنی صدور ارزشهای انقلاب اسلامی برسد و این ارزش‌ها، آرمان‌ها و آموزه‌ها به عنوان مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران برگرفته از مفاهیم اسلام و فرهنگ و تمدن ایران است.

برخی از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مانند اتحاد ملی، ایمان به باورها و ارزش‌های اسلامی، علم آموزی و تولید علم، معنویت، مراجع و علمای دین، نفوذ و اقتدار ولایت فقیه، بصیرت، فرهنگ ایثار، استقامت و شهادت، ظلم ستیزی، عدالت خواهی، استقلال طلبی ارزش-هایی هستند که انقلاب اسلامی آنها را مطرح و باز تولید کرده است. آنها با فطرت انسان‌ها سازگار بوده و برای تمام مردم جهان جذابیت دارند و هر انسان منصفی آنها را می‌پذیرد لذا این گفتمان به عاملی برای توسعه نفوذ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در افکار و رفتار ملت‌های مسلمان تبدیل شده و مدلی مفهومی از قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران را به ملت‌های جهان معرفی می‌کند.

شاید استقرار نسخه‌ای کامل از الگوی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اسلامی دور از ذهن باشد ولی جوهره اسلامگرایی، ظلم ستیزی، استقلال و آزادی خواهی به عنوان اصول جدایی ناپذیر انقلاب اسلامی تأثیر نرم خود را در ذهن ملت‌ها به جای گذاشته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۶). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). «دو چهره قدرت»، در کتاب قدرت نرم: سرمایه اجتماعی، اصغر افتخاری و همکاران، تهران: دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- امام زاده فرد، پرویز (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست: از دوران باستان تا زمان معاصر»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۷.
- امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۲ (نرم‌افزار صحیفه نور).
- تهرانی، قاسم (۱۳۷۵). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- حیدری، نصرالله؛ عزتی، یونس و فلاحی، سارا (۱۴۰۱). «نقش و جایگاه راهپیمایی اربعین بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۱۲، شماره ۱، بهار.
- خسروی، محمدعلی و جباری‌ثانی، عباسعلی (۱۳۹۰). «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره یازدهم، بهار.
- داداندیش، پروین و احدی، افسانه (۱۳۹۰). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، بهار.
- درخشه، جلال و غفاری، مصطفی (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها»، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال دوازدهم، شماره شانزدهم، زمستان.
- دهقانی‌فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶). تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه ایران.
- رجبی، محمد (۱۴۰۱). «شناسایی مولفه های قدرت نرم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ایالات متحده»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۱۲، شماره ۱، بهار.
- روزنامه ایران، (۱۳۸۶/۵/۳۱). «سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۸۶/۵/۳۰»
- سالار، محمد (۱۳۸۱) «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی در سطوح مختلف فرمانطقه‌ای»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۷ و ۸، پاییز و زمستان.

سجادپور، سید محمدکاظم (۱۳۸۶) چارچوب‌های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

سیدیان، سید مهدی (۱۳۸۷). «چیستی و گستره عدالت در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، مجله نامه دولت اسلامی، سال اول، شماره دهم، بهار.

شکوهی، سعید (۱۴۰۰). «قدرت انگاره‌ای به مثابه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره سوم، پاییز.

صادقی، علی (۱۴۰۱). «واکاوی ابعاد و مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اسناد بالادستی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۱۲، شماره ۱، بهار.

فوکو، میشل (۱۳۷۹). ایران: روح یک جهان بی‌روح، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانپنده، تهران: نشر نی.

فولر، گراهام (۱۳۸۴). شیعیان عرب: مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم: انتشارات مؤسسه شیعه شناسی.

کلاهچیان، محمود (۱۳۸۷). «بررسی و نقد قدرت نرم در گفتمان غربی»، در کتاب قدرت نرم: سرمایه اجتماعی، اصغر افتخاری و همکاران، تهران: دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی - دفتر گسترش تولید علم.

متقی، ابراهیم و رشاد، افسانه (۱۳۹۰). «نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان.

مرتضایی، علی اکبر (۱۳۸۷). امام خمینی (ره) در حدیث دیگران، قم: نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه: سید محسن روحانی و مهدی ذولفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

نقیب، زاده احمد (۱۳۸۳). تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.

واعظی، محمود (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

والتون، مایکل و ویجانیدرا، راثول (۱۳۸۷). فرهنگ و کنش عمومی، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

هرسیج، حسین (۱۳۹۰). «تجزیه و تحلیل ویژگیها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره سوم، پاییز.
 هرسیج، حسین (۱۳۷۱). «مهمترین ویژگی امام(ره) از دیدگاه متفکران جهان»، مجله سروش، سال پانزدهم، شماره ۶۴۷، خرداد.

Aghaie, Kamaran (2001) Nationalism: Theory, Ideology, History, UK: Polity Press.
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21741/1391/9/21>

Joffe Josef (2001) "Whos Afraid of Mr. Big?" The National Interest, Summer.
<http://www.Leader.ir>

Sharp, Paul (2005) "Revolutionary States, Outlaw Regimes and the Techniques of Public Diplomacy", The New Public Diplomacy soft Power in International Relations, Edited by Jan Melissen, Hampshire: Palgrave.

Nye, Josef (2003) "Hard and Soft Power in a Global Information Age" in: Mark. Leonard, Reording the World, London: The Foreign Policy Center.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی